

Persian New Poetry Vs. Poetry in Ancient Persia: A Comparative Analysis of Form and Content

Zahra Mehri¹

Poetry independent of language is unimaginable to exist, and the emergence of a poem is rooted in the changes imposed to language. Persian poetry, specifically poetry in Ancient Persia, has always been of interest to both Iranian and foreign scholars. The present paper suggests a new hypothesis regarding the "She're now" in farsi and its relevance to poetry in Ancient Persia. The author hereby tries to manifest the necessity of the comparative analysis of "She're now" in Farsi with poetry in Ancient Persia.

Key words: poetry, She're now, metrics, pitch, timber

¹ - M.A. Graduate in Linguistics, Islamic Azad University, Central Branch

شعر نو فارسی و شعر در ایران باستان:

تحلیل مطابقه‌ای ساختار و محتوا

زهرا مهری^۱

چکیده

بی‌شک، شعر جدای از زبان قابل تصور نیست و تولد یک شعر چیزی نیست جزء تغییراتی که در زبان رخ می‌دهد. شعر ایرانی و بالاخص شعر ایران باستان همواره مورد توجه پژوهشگران غیرایرانی و ایرانی بوده است. در این مقاله فرضیه تازه‌ای در مورد شعر نو و رابطه‌اش با شعر ایران پیش از اسلام مطرح می‌شود. کوشش نگارنده بر این است تا در راستای آزمودن این فرضیه، ضرورت تحلیل مطابقه‌ای شعر ایران پیش از اسلام و شعر نو را برجسته نماید.

واژگان کلیدی: شعر، شعر نو، وزن، زیر و بمی، طنین

۱- مقدمه

در این که ایرانیان باستان پیش از آشنایی با شعر عربی، شعر می‌سرودند جای هیچ تردیدی نیست، جمعی از محقق غیرایرانی و ایرانی - از جمله بویس^۲ (۱۹۵۴)، هنینگ^۳ (۱۹۷۷)، نیبرگ^۴ (۱۹۷۵)، بهار (۱۳۲۱)، خانلری (۱۳۳۷)، ابوالقاسمی (۱۳۷۴) این مسئله را یادآور شده‌اند.

مطابق تحقیقات بعمل آمده و بر اساس سندهای موجود، پیشینه سرایش شعر ایرانی به روزگار زردشت و گاهان (سروده‌های زردشت) برمی‌گردد. منظومه‌هایی نیز به زبان پهلوی اشکانی و پهلوی ساسانی موجود است که از آن جمله می‌توان به درخت آسوریگ و یادگار زربیران و اشعار متون دینی مانوی اشاره کرد. در مورد وزن این اشعار نظر واحدی از سوی محققان ارائه نشده است اما قدر مسلم این را می‌دانیم که اشعار دوره باستان، تابع نظم عروضی (کمی) نبوده است و وزنی جزء آن داشته است.

۱- کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی

۲ - M. Boyce

۳ - W.B. Henning

۴ - H.S. Nyberg

پس از ظهور شریعت مقدس اسلام و آشنایی با شعر عروضی، نظم عروضی اندک اندک بر شعر فارسی تسلط یافت و عرصه را بر شعر قبل از اسلام تنگ کرد و آن را در قالب شعر رسمی و مکتوب از میدان بدر برد. در دوران معاصر و پس از هزار سال سیطره شعر عروضی بر ادبیات ایران، شعر غیرعروضی دوباره مطرح می‌شود، البته به شکل ادبیات رسمی و مکتوب و این بار این شعر غیرعروضی، همان شعر نو است که به یکباره شعر عروضی را پس می‌زند.

پس از شکوفایی شعر نو، در اذهان مردم از طرق مختلف گنجانده شد که شعر نو فارسی مانند بسیاری از پدیده‌های دیگر، از دستاوردهای مشروطیت به بعد و تحت تاثیر فرهنگ غرب و شعر نو فرانسوی است. حال این مسئله مطرح می‌شود که چرا در بین پدیده‌های وام گرفته تنها شعر نو تا این اندازه شکوفا شده است و نه تنها برای فرهنگ میزبان ایجاد مشکل نکرده، بلکه پیوسته زایایی هم داشته است، آیا پاسخ این نیست شعر نو در ادبیات شعر ایران یک سنت دیرینه و کهن است؟ بنابراین در ابتدای مقاله این مطلب را فرض قرار می‌دهیم که میان شعر ایران پیش از اسلام و شعر نو به لحاظ ساختار، شباهت و رابطه وجود دارد. بنابراین شعر نو پدیده‌ای وارداتی نیست بلکه بازگشتی به گذشته است.

لازم به ذکر است که در مقاله حاضر از سه منظر به بررسی مطابقه‌ای اشعار دو دوره پرداخته شده است؛ بی گفتگو، اثبات این فرضیه به تحقیقات گسترده‌تری نیاز دارد و نگارنده خود به این مطلب اذعان دارد که این مقاله صرفاً قدم نخست در این راه به شمار می‌آید و بی‌گمان از نقص‌ها و لغزش‌ها بدور نخواهد بود. با این همه امید نگارنده این است که تازگی و دشواری راهی که در پیش داشته، عذرخواه این کاستی‌ها و لغزش‌ها باشد.

۲- ملاحظات نظری

شفیعی کدکنی (۱۳۸۴، صص ۷-۱۰) شعر را رستاخیز کلمات معرفی و آن را به دو نوع تقسیم می‌کند که هر دو در حوزه زبان است: گروه موسیقایی مانند انواع وزن، قافیه، جناس و ردیف و گروه موسیقایی مانند استعاره، مجاز، آرکائیسیم، ایجاز، حذف و حسامیزی.

خانلری (۱۳۳۷: ۸) شعر را این گونه تعریف می‌کند: شعر تالیفی از کلمات است که نوعی از وزن در آن بتوان شناخت و در همان جا وزن را نوعی از تناسب معرفی می‌کند (ص ۱۰). از نظر او تناسب اگر در مکان واقع شود آن را قرینه می‌خوانند و اگر در زمان واقع شد وزن خوانده می‌شود.

ادراک نظم و تناسب زمانی غالباً به وسیله شنوایی حاصل می‌شود بنابراین خانلری در ادامه، توجه به اصوات را برای شناخت وزن پیشنهاد می‌کند. عوامل و اجزائی که در صوت وجود دارد خواصی را بر آن پدید می‌آورد که عبارت است از شدت^۱، امتداد^۲، ارتفاع یا زیر و بمی^۳ و زنگ یا طنین^۴. به اعتقاد خانلری نظم ممکن است برحسب یکی از خواص چهارگانه صوت حاصل شود. پس چهار نوع وزن می‌توان ایجاد کرد:

وزن ضربی^۵ (از نظم اصوات به حسب شدت و ضعف آنها)

وزن کمی^۶ یا امتدادی (از نظم اصوات به حسب امتداد زمانی آنها)

وزن آهنگی^۷ (از نظم اصوات به حسب زیر و بمی آنها)

وزن طنینی^۸ (از نظم اصوات به حسب زنگ و طنین آنها). (خانلری، ۱۳۳۷: ۱۱ و ۱۲)

شعر عروضی، وزن کمی دارد. عبارت دیگر هجا (امتداد آن) بنای شعر عروضی است. در زبان فارسی، کوتاهی و بلندی واژه‌ها منجر به تمایز آنها نمی‌شود بلکه اختلاف در جایگاه تولید آنهاست. از همین رو یادگیری شعر عروضی برای فارسی زبانان سخت می‌باشد زیرا با شم زبانی گویشوران فارسی زبان مغایرت داد.

در این مقاله اشعار پیش از اسلام در دو دوره شعری مورد آزمون قرار می‌گیرد. شعر ایران باستان و شعر ایران میانه. *ایران باستان بر دوره ای از تاریخ ایران اطلاق می‌شود که از هزاره اول پیش از میلاد مسیح شروع می‌شود و در سال ۳۳۱ پیش از میلاد مسیح - سالی که با قتل داریوش سوم حکومت هخامنشی سرنگون شد - پایان می‌پذیرد.* (ابوالقاسمی، ۱۳۷۴: ۷). از این دوره به زبان فارسی باستان (کتیبه‌های هخامنشی) و زبان اوستایی (کتاب دینی زردشتیان) آثاری به جای مانده است. در این که بعضی قسمت‌های اوستا از جمله گاهان و بخش‌هایی از یشت‌ها به نظم می‌باشد هیچ جای شکی نیست (بویس ۱۹۵۴)، هنینگ (۱۹۷۷)، نیبرگ (۱۹۷۵)، ابوالقاسمی (۱۳۷۴)، تفضلی (۱۳۸۳)، خانلری (۱۳۳۷)، عربان (۱۳۷۱). در مقاله حاضر از متون گاهان و یشت‌ها استفاده شده است.

1 - Intensive

2 - Duration

3 - Pitch

4 - Timbre

5 - Accentual metrics

6 - Quantitative metrics

7 - de la hauteur

8 - du timbre

ایران میانه از سقوط هخامنشیان آغاز می‌گردد و در سال ۸۶۷ میلادی/۲۵۴ هجری (سال آغاز شعر فارسی دری) پایان می‌یابد. زبان‌های این دوره را به دو بخش زبان‌های ایرانی میانه شرقی و غربی تقسیم می‌کنند. در مقاله حاضر از اشعار ایرانی میانه غربی استفاده شده است که به دو زبان پهلوی دو اثر نسبتاً مفصل در دست است: منظومه درخت آسوریگ و دیگری یادگار زریران که هر دو اصل پارسی دارند.

درخت آسوریگ منظومه مفاخره آمیزی است میان بز و نخل که به زبان پارسی یا پهلوی اشکانی سروده شده ولی اکنون به خط پهلوی کتابی در دست است (تفضلی، ۱۳۷۸، ۲۵۶). یادگار زریران را چون درخت آسوریگ از اصل پهلوی اشکانی دانسته‌اند. یادگار زریران از جنگی گفتگو می‌کند که میان ارجاسب، پادشاه هون‌ها و گشتاسب، پادشاه ایرانیان در می‌گیرد (تفضلی، ۲۶۷). در مقاله حاضر از اشعار مانوی نیز استفاده شده است. بهبهانی (۱۳۸۴: ۲۷) به نقل از بویس اظهار می‌دارد که بیشتر حجم ادبیات مانوی را شعر تشکیل می‌دهد. این متن‌ها ابجدی هستند.

۳-پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهشی به طور مستقیم به مقابله این اشعار نپرداخته است. بنابراین در این بخش، از بررسی اشعار دو دوره به طور مجزا، پیشینه مختصری ارائه شده است.

۳-۱- شعر ایران پیش از اسلام

نخستین بحثی که در مورد بررسی شعر می‌توان به آن پرداخت، نوع وزن آن است. در ذیل ابتدا پیشینه تحقیق وزن شعر پیش از اسلام ارائه شده است.

کریستن سن^۱ (۱۳۶۳) گاهان را منظوم می‌داند. به نظر او در ادبیات گاهان، هر مصرع از یک عدد معین از هجاها تشکیل شده است. خانلری (۱۳۳۷) نظرات دانشمندان اوستا شناس را در مورد اشعار گاهان جمع‌آوری کرده است در آنجا نیز وزن گاهان هجایی خوانده شده است.

خانلری در ادامه در مورد وزن اشعار دوره میانه می‌افزاید که در میان دانشمندان اروپایی ظاهراً بیش از همه بنونیست در جهت کشف قواعد نظم در زبان پهلوی کوشیده است. او وزن این اشعار را نیز هجایی خوانده است (ص ۲۹).

^۱ - A. Christensen

اما تفضلی (۱۳۷۸: ۳۵۰) درباره وزن شعر فارسی میانه و پارسی می گوید که در آغاز گمان می شد که وزن این اشعار هجایی است اما این نظر مورد انتقاد هنینگ قرار گرفت. وی بر آن بود که وزن این اشعار ضربی یا تکیه‌ای است.

۳-۲- شعر نو

شمیسا (۱۳۸۳: ۳۳۴) سه شیوه رایج در شعر نو را معرفی می کند: شعر آزاد، شعر سپید و شعر موج نو. شمیسا می نویسد که شعر آزاد وزن عروضی دارد اما جای قافیه‌ها مشخص نیست. شعر سپید آهنگین است اما وزن عروضی ندارد و جای قافیه‌ها در آن مشخص نیست. شعر موج نو نه تنها وزن عروضی ندارد بلکه معمولاً آهنگین هم نیست و قافیه هم ندارد و فرق آن با نثر معمولاً در ارائه مطلب و نحوه خاص بیان و بطور کلی در تخیل شعری است. شمیسا اشعار نیما یوشیج، اخوان ثالث، فروغ فرخزاد و سهراب سپهری را در طبقه شعر آزاد قرار می دهد. البته ذکر می کند که هر کدام کم و بیش با سبک مخصوص به خود در این طبقه جای می گیرند. در ذیل در ابتدا در مورد روش گردآوری داده‌ها و تحلیل آن توضیح مختصری داده می شود و در ادامه به بررسی مطابقتی میان شعر ایران پیش از اسلام و شعر نو پرداخته شده است.

۴- روش تحقیق

با توجه به موضوع مقاله و لزوم بررسی متون نوشتاری برجای مانده از اشعار دو دوره تاریخی، بررسی به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است. در مرحله نخست منابع نوشتاری موجود جمع‌آوری شد. به علت گستردگی و تنوع اشعار نو، اشعار پنج تن از شاعران نوپرداز موفق انتخاب شد: نیما یوشیج، مهدی اخوان ثالث، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری و احمد شاملو. از هر شاعر نیز چهار شعر مورد آزمون قرار گرفت. اشعار منتخب از آثار مطرح این شاعران انتخاب شد. البته بدون در نظر گرفتن نوع وزن آنها.

منابع محدودی از اشعار ایران پیش از اسلام در دسترس است و بیشتر آثار موجود، تنها در مورد اشعار، توضیح و تفسیر ارائه داده‌اند. در این مقاله نمونه‌های شعری از اثر ابوالقاسمی (۱۳۷۴) انتخاب شده است زیرا تنها منبع فارسی موجود از این اشعار به همراه آوانویسی و ترجمه می باشد.

از آنجایی که موضوع تحقیق گسترده و داده‌های آن فراوان است مطابقه کامل و جزء به جزء این اشعار در مقاله حاضر ممکن نیست. لذا در راستای تحلیل داده‌های موجود، پس از بررسی معیارهای متفاوت، سه معیار کلی انتخاب شد و در دو دوره شعری، این معیارها مورد آزمون قرار گرفت. نخستین مؤلفه در بررسی شعر، وزن آن است. در نتیجه مطابقه، وزن اشعار دو دوره به عنوان معیار اول انتخاب شد. هنگام بررسی وزن اشعار نو، طبق سنت شعر عروضی از تقطیع هجایی استفاده شد، زیرا از یک سو اشعار شاعران نوپرداز مورد نظر مقاله را (به جز تعدادی از اشعار شاملو)، اشعاری با وزن نیمایی - البته هرکدام با سبک و سیاق مخصوص به خود - تلقی می‌کنند (کدکنی، ۱۳۸۴)، (شمیسا، ۱۳۸۳) و از سوی دیگر اشعار نیما، وزنی عروضی دارد (البته اندازه متریک بندها در آن یکسان نیست، به عبارت دیگر تعداد افاعیل عروضی در آن متغیر است).

در صورتی که اشعار این شاعران با وزن نیمایی قابل تقطیع باشد، می‌توان آنها را اشعاری با وزن عروض نیمایی تلقی کرد. روش تقطیع بکار برده شده در اشعار نو، طبق سنت عروضی، یعنی تقطیع هجاها صورت گرفت.^۱ در زیر تقطیع هجاها توضیح داده می‌شود. هجاها به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- هجای کوتاه دارای دو واج است و با علامت U نشان داده می‌شود.

۲- هجای بلند دارای سه واج است و با علامت = نشان داده می‌شود.

۳- هجای کشیده دارای چهار یا پنج واج است و با علامت =U نشان داده می‌شود.

بنابراین هر هجای کشیده معادل با یک هجای بلند و یک هجای کوتاه است. لازم به ذکر است شاعر یک سری قواعد در تقطیع را باید رعایت کند و می‌تواند از اختیارات شاعری نیز تا حدی استفاده نماید که شامل اختیارات وزنی و اختیارات زبانی است (برای توضیحات بیشتر رجوع شود به شمیسا ۱۳۶۸). هنگام تقطیع اشعار نو تا حد امکان این اختیارات فرض شد.

معیار دوم، اندازه یک متریک بندها است. عمداً از اصطلاح بند به جای مصراع استفاده می‌شود زیرا در اشعار عروضی برابری مصراع‌ها الزامی است و در آنجا دو مصراع برابر، بیت را تشکیل می‌دهد و زمانی که این برابری نباشد به خودی خود اصطلاح بیت و مصراع برداشته می‌شود.

^۱ - نگارنده تقطیع اشعار را به روش کتاب عروض پیش دانشگاهی رشته انسانی و کتاب عروض و قافیه رشته ادبیات دانشگاهی (شمیسا ۱۳۶۸) انجام داده است.

و در نهایت معیار سوم عدم استقلال بندها به لحاظ نحوی و معنایی است. این معیار از آن رو انتخاب شده است که در اشعار عروضی در اکثر مواقع ابیات استقلال نحوی و معنایی دارند تا حدی که حتی با حذف چندین بیت از یک شعر، در کل آن تفاوتی ایجاد نمی‌شود (کدکنی ۱۳۸۴). یعنی هر بیت یک جمله کامل است. این مختصه از شعر عروضی در شعر پیش از اسلام و شعر نو بررسی شد تا شباهت‌ها و تفاوت‌ها روشن گردد.

۵-تحلیل داده‌ها

در زیر به بررسی مطابقه‌ای شعر نو و شعر ایران پیش از اسلام می‌پردازیم.

۵-۱- بررسی وزن شعر

الف) وزن اشعار پیش از اسلام

در این بخش، بدون شواهد عملی و تنها به استدلال نظری بسنده می‌کنیم. اندیشمندان بسیاری در این زمینه آثاری را به نگارش درآورده‌اند ولی اتفاق نظر و یا حتی نظر قابل قبولی نیز در این میان دیده نمی‌شود. عده‌ای معتقدند که این اشعار هجایی‌اند و عده دیگر نظم این اشعار را تکیه‌ای می‌دانند. ابوالقاسمی (۱۳۷۴: ۱۵۸-۱۶۲) پس از گردآوری نظرات اندیشمندان مختلف بیان می‌کند که نظم این اشعار نه کمی است، نه هجایی و نه ضربی. نمی‌توان وزن این اشعار را تکیه‌ای خواند، زیرا این زبان‌ها جزو زبان‌های مرده هستند و گویشوری ندارند. در نتیجه نمی‌توان جای تکیه در این زبان‌ها را تعیین کرد. در ضمن هنینگ و پیروان او که اساس نظم را در اشعار میانه غربی و یشت‌ها تکیه می‌دانند در اثبات ادعای خود بعضی از واژه‌ها را در یک قطعه تکیه‌دار و در قطعه دیگر بی‌تکیه محسوب کرده‌اند (همان: ۱۶۱). از سوی دیگر بنونیست و پیروان او که اشعار پیش از اسلام را هجایی خوانده‌اند در اثبات ادعای خود هر جا که تعداد هجاها قانونمند نبوده است آن اشعار را تحریف شده خوانده‌اند و هجایی را به متن اصلی اضافه یا کم کرده‌اند.

در این مقاله نظر ابوالقاسمی تا آنجا که این اشعار الزاماً هجایی و کمی و تکیه‌ای نیستند مورد قبول است ولی فرضیه دیگری که در مورد این اشعار پذیرفتنی‌تر است اتخاذ می‌کنیم. در اشعار غنایی وزن ثابتی وجود ندارد و وزن و آهنگ این اشعار در موسیقی‌های

مختلف، متفاوت است. معقول‌ترین فرضیه این است که وزن ثابتی را به این اشعار تحمیل نکنیم و این اشعار را غنایی بخوانیم^۱.

(ب) وزن شعر نو

در این قسمت از استدلال‌های تجربی استفاده می‌کنیم. از هر کدام از پنج شاعر نوپرداز، وزن چهار شعر توسط نگارنده بررسی شد. از آنجایی که آوردن تمامی تقطیع شعرها در حوصله این مختصر نمی‌گنجد تنها به چند بند از هر شعر اکتفا شده است ولی نتیجه بررسی وزن این اشعار توضیح داده می‌شود. تقطیع اشعار و استنباط وزن آنها توسط نگارنده صورت گرفته است و بی‌گمان مصون از خطا نخواهد بود.

از نیما چهار شعر مورد آزمون قرار گرفت که همانطور که در پیشینه گفته شد وزن ثابت عروضی در این شعرها رعایت شده است البته با تعداد متغیر از ارکان افاعیل و تعداد بندهای متغیر در یک قطعه و از این حیث با شعر سنتی متفاوت است.

مثال: افسانه

در شب تیره، دیوانه‌ای کاو

دل به رنگی گریزان سپرده،

در دره سرد و خلوت نشسته ...

- - U / - - U / - - U -

فاعلاتن فاعولن فاعولن

این وزن تا انتهای شعر رعایت شده است.

مثال: داروگ

خشک آمد کشتگاه من

در جوار کشت همسایه

گرچه می‌گویند: "می‌گریند روی ساحل نزدیک

سوگواران در میان سوگواران."

- / - - U - / - - U -

فاعلاتن فاعلاتن فع

^۱ - عربیان اشعار ایران پیش از اسلام را غنایی می‌داند.

- / - - U - / - - U -

فاعلاتن فاعلاتن فع

- / - - U - / - - U - / - - U - / - - U -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع

- - U - / - - U - / - - U -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

تا انتها نیز بر همین منوال است. همانطور که مشهود است در اینجا دیگر بندها برابر نیستند.

مثال: هنگام که گریه می‌دهد ساز

هنگام که گریه می‌دهد ساز

این دود سرشت ابر بر پشت

هنگام که نیل چشم دریا

از خشم به روی می‌زند مشت

- - U / - U - U / U - -

مفعول^۱ مفاعلهن فعولن

تا انتهای شعر، همین وزن رعایت شده است.

مثال: خانه‌ام ابریست

خانه ام ابریست

یکسره روی زمین ابری ست با آن ...

- / - - U -

فاعلاتن فع

- - U - / - - U - / - - U -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

شاعر تا انتها از همین رکن استفاده کرده است. اخوان ثالث نیز به لحاظ وزنی، اشعارش مانند نیما است.

مثال: باغ من

آسمانش را گرفته تنگ در آغوش

ابر با آن پوستین سرد نمناکش.

باغ بی برگی،

روز و شب تنهاست، ...

- /- - U - /- - U - /- - U -
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاع
 - /- - U - /- - U - /- - U -
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاع
 - /- - U -
 فاعلاتن فاع
 - /- - U -
 فاعلاتن فاع

مثال : دریچه‌ها

ما چون دو دریچه روبروی هم،

آگاه ز هر بگو مگوی هم...

- - - U /- U - U / U - -
 مفعول^۱ مفاعیلن مفاعیلین
 سراسر شعر بر همین وزن مختلف ارکان است.

مثال: آخر شاهنامه

این شکسته چنگ بی قانون،

رام چنگ چنگی شوریده رنگ پیر ...

- /- - U - /- - U -
 فاعلاتن فاعلاتن فاع
 - /- - U - /- - U - /- - U -
 فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاع

تا انتها، شاعر از رکن فاعلاتن البته با تعداد متغیر استفاده کرده است.

مثال: زمستان

سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت،

سرها در گریبان ست

- - - U / - - - U / - - - U

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

- - - U / - - -

مفعولن مفاعیلن

شاعر تا انتها از همین رکن استفاده کرده است.

در زیر چهار شعر از فروغ مورد آزمون قرار گرفته است. همان گونه که از نمونه‌ها بارز است

در این اشعار وزنی مانند وزن نیما مشهود نیست.

مثال: کسی که مثل هیچکس نیست

...

و پلک چشمم هی می پرد

و کفش هایم هی جفت می‌شوند

و کور شوم

اگر دروغ بگویم

- U - - - - U - U

- U - U - - - - U - U

- U U - U

- - U U - U - U

با هیچ تقطیع هجایی، نمی‌توان وزن مشخصی را در این شعر یافت. نظمی نیز میان تعداد

هجاءها و تکیه‌ها نمی‌توان یافت، بنابراین می‌توان این شعر را غنایی نامید.

مثال: پرواز را به خاطر بسپار

کسی مرا به آفتاب

معرفی نخواهد کرد

کسی مرا به میهمانی گنجشک‌ها نخواهد برد

پرواز را به خاطر بسپار

پرنده مردنی ست.

- U - U - U - U

- - - U - U - U

- - - U - U - - U - - U - U - U - U

- - - - U - U - -

- U - U - U

این شعر فروغ نیز مانند شعر پیشین فاقد وزنی مشخص است بنابراین شعری غنایی است. در شعر بعدی استفاده به عمد از ارکان عروض را توسط شاعر می بینیم؛ که خود شاهد بر این ادعاست که فروغ در دو شعر اول قصد استفاده از عروض را نداشته است.

مثال : هدیه

من از نهایت شب حرف می زنم

من از نهایت تاریکی

و از نهایت شب حرف می زنم ...

- U - U / - - U U / - U - U

مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن

- / - - U U / - U - U

مفاعیلن فعلاتن فع

- U - U / - - U U / - U - U

مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن

در تمام شعر به جز بند آخر وزن به شیوه نیما رعایت شده است.

مثال : تولدی دیگر

...

یا عبور گنج رهگذری باشد

که کلاه از سر برمی دارد

و به یک رهگذر دیگر با لبخندی بی معنی می‌گوید: "صبح بخیر"

- - - UU - U - U - U -
 - - - - - U - UU
 - UU - - - - - - - - - - - UU - UU

همانطور که مشهود است در این شعر نیز وزنی عروضی نمی‌توان یافت و در تعداد هجاها و تکیه‌ها نیز، نظمی یافت نمی‌شود. در زیر وزن چهار شعر از سهراب بررسی می‌شود.

مثال : نشانی

"خانه دوست کجاست؟" در افق بود که پرسید سوار،

آسمان مکثی کرد

رهگذر شاخه نوری که به لب داشت به تاریکی شن‌ها بخشید

...

- - UU - - UU - - U - U - UU - UU -
 - - / - - U -

فاعلاتن فع لن

- - / - - U - / - - UU / - - UU / - - UU / - - U -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع لن

در این شعر، شاعر تاحدودی پیرو وزن عروضی است و بیشتر به انتخاب واژه‌ها و انتقال معنی مورد نظر پایبند است. به حدی که می‌توان گفت نظمی عروضی به این شعر نمی‌توان تحمیل کرد.

مثال: صدای پای آب

...

و خدایی که در این نزدیکی است:

لای این شب بوها، پای آن کاج بلند.

روی آگاهی آب، روی قانون گیاه.

- - / - - UU / - - UU

فاعلاتن فاعلاتن فع لن

- UU - - U - - - / - - U -

فاعلاتن

- - U - - U - U - U - / - - U -

فاعلاتن

این شعر سهراب نیز مانند شعر پیشین است تنها در بعضی موارد می‌توان نظم‌ی نسبی در رکنی یافت که به اعتقاد نگارنده تصادفی است و در کل نمی‌توان وزنی ثابت را به این شعر تحمیل کرد. بنابراین، این شعر با آهنگ‌های متفاوت، وزنش تغییر می‌کند و شعری غنایی است.

مثال : ندای آغاز

کفش هایم کو،

چه کسی بود صدا زد: سهراب؟

آشنا بود صدا مثل هوا با تن برگ.

- / - - U -

فاعلاتن فع

- - / - - U U / - - U U

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فع لن

- U U / - - U U / - - U U / - - U -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن

در این شعر، از ارکان عروضی استفاده شده است ولی ترتیبی در استفاده از رکن ها نیست.

مثال : و پیامی در راه

روزی

خواهم آمد، و پیامی خواهم آورد.

در رگ ها، نور خواهم ریخت.

- -
- - U - - - U U - - - -
- - - U - - - -

در این شعر سهراب، وزن ثابتی وجود ندارد. رابطه‌ای میان تعداد هجاها و تکیه‌ها وجود ندارد. این شعر نیز شعری غنایی است. در زیر وزن چهار شعر از شاملو بررسی شده

است. شاملو نیز مانند سهراب و فروغ در برخی از اشعار به عمد از ارکان عروضی استفاده کرده است و در اکثر موارد، اشعاری بدون وزن ثابت - شعر غنایی- سروده است.

مثال: افق روشن

...

روزی که کمترین سرود بوسه است

و هر انسان

برای هر انسان برادر است.

- U - U - U - U - U - -

- - - U

- - - U - U

- U - U

این شعر غنایی است.

مثال: شبانه

مرا

بی تو

سببی

نیستی

به راستی

صلت کدام قصیده ای

ای غزل؟

- U

U

- UU-

- U-

- U - U

- U - UU - UUUU

- U-

این شعر نیز غنایی است.

مثال : شبانه ۲

...

- شهر

همه بیگانگی و عداوت است. -

هنگامی که دستان مهربانش را به دست می‌گیرم ...

- - - UU - U - - UU
- - - U - U - - - U - U - - U - - -

این شعر نیز وزن ثابتی ندارد. در شعر بعدی کاربرد عمدی از ارکان عروضی به شیوه نیما توسط شاعر مشخص است.

مثال: بودن

گر بدینسان زیست باید پست

من چه بی شرمم اگر فانوس عمرم را به رسوائی نیاویزم

بر بلند کاج خشک کوچه بن بست ...

- / - - U - / - - U -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

- / - - U - / - - U - / - - U - / - - U -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

- / - - U - - / - - U - / - - U -

فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

در این شعر وزن به شیوه نیما، رعایت شده است. در تمام اشعار نو آزمون شده، قافیه به ضرورت وزن انتخاب نشده است (برعکس شعر سنتی).

پس از بررسی وزن اشعار به این نتیجه می‌رسیم که اشعار شاملو و سهراب و فروغ غنایی است و با اشعار نیما و اخوان که در مرز تغییر دو دوره قرار دارد، متفاوت است.

۲-۵- کوتاهی و بلندی بندها

در زیر اشعار دو دوره به لحاظ اندازه متریک بندها مورد آزمون قرار گرفت و در هر دو دوره، اندازه بندها یکسان نیست. برای سهولت کار از آوانویسی نمونه‌های شعری پیش از اسلام

خودداری شد و تنها به معنای آن اکتفا شد. آوانویسی این اشعار در اثر ابوالقاسمی (۱۳۷۴) موجود است.

الف) کوتاهی و بلندی بندها در اشعار پیش از اسلام (ابوالقاسمی ۱۳۷۴)

مثال: گاه پنجم، پاره نخست از هات ۵۳

بهترین-خواستہ-شناخته شده

زردشت

سپیتمان-آری-او را

نیکی خواهد داد

ترجمه: بهترین خواسته [که] شناخته شده، زردشت سپیتمان را [ست]، آری او را (یعنی به زردشت) نیکی خواهد داد.

مثال: گاه دوم، پاره نخست از هات ۴۴

این-از تو-می پرسم

درست-مرا-بگو-ای اهورا

در باره ی-نماز

مثال: درخت آسوریگ

دَمینه-از-من-کنند

برای-آذران

مثال: درخت آسوریگ

دیوان-دروغ

بنده-بود-ند-مردمان

مثال: اشعار مانوی

دیگر-اینجا-بیا

و- نهی- بودن- عاشق
این- زیبایی

اگر نمونه‌های اشعار پیش از اسلام را با متن آوانویسی آن مطابقت بدهیم (ابوالقاسمی ۱۳۷۴) یکسان نبودن اندازه بندها در آن مشهودتر است.

ب) کوتاهی و بلندی بندها در شعر نو در این که بندهای شعر نو از حیث اندازه الزاماً یکسان نیستند، شکی نیست. پیش از این در بررسی وزن اشعار نو، نمونه‌هایی در مقاله آمده است. در اینجا به منظور اجتناب از تکرار توجه خواننده محترم را به مثال‌های بخش ۵-۱ جلب می‌کنیم. در این مثال‌ها اختلاف اندازه بندها کاملاً مشهود است.

۳-۵ - عدم استقلال بندها از لحاظ نحوی و معنایی

در این قسمت، معیار سوم در اشعار دو دوره مورد آزمون قرار می‌گیرد.

الف) عدم استقلال نحوی و معنایی در بندهای اشعار پیش از اسلام

مثال: گاه پنجم، پاره نخست از هات ۵۳

بهترین - خواسته - شناخته شده

زردشت

سپیتمان - آری - او را

ترجمه: بهترین خواسته، [که] شناخته شده، زردشت سپیتمان (نام خانوادگی زردشت) را

[ست]، آری او را ...

در نمونه حاضر، یک جمله در سه بند آمده است و از اواسط بند سوم، جمله بعدی آغاز شده

است و زردشت و نام خانوادگی او در دو بند مجزا است.

مثال: بهرام یش، کرده ۱

ای اهورا - مزدا - مینو

مقدس ترین - دادار - جهان‌های

مادی - ای مقدس

ترجمه: ای اهورا مزدا، ای پاک ترین مینو
ای دادار جهان‌های مادی، ای مقدس
دادار جهان‌های مادی، مضاف و مضاف الیه هستند که در اینجا از هم جدا شده است
و پاکترین مینو نیز یک گروه وصفی است که از هم جدا است.

مثال: یادگار زریران
گوید-که-من-دانم
که-تو-جاماسب-دانا
و-بینا-و-شناسا-هستی
در این مثال واژه‌های ترکیب عطفی در دو بند جدا آمده است. دانا در یک بند و بینا و
شناسا و حرف عطف در بند دیگر آمده است.

مثال: یادگار زریران
از-پسران-و-برادران
-من-کی گشتاسب-شاه
که-زیستن-و-که-مردن
ترجمه: ... از پسران و برادران
من، کی گشتاسب شه
که زید و که میرد
در این مثال نیز ترکیب اضافی پسران و برادران من، در دو بند مجزا است.

مثال: اشعار مانوی
و-پایان یافت-پیمان
-روزها-آشفته
و-ش-رفت-ترس
به-میغ-ها-آذرین
ترجمه: و پایان گرفت پیمانه
روزهای آشفته

و ترسش رفت

به میخ های آذرین

در ترکیب پیمانه روزهای آشفته، کسره اضافه پس از پیمانه در بند دوم آمده است. همانطور که از مثال‌ها مشهود است در شعر ایران پیش از اسلام بندها الزاماً از استقلال نحوی و معنایی برخوردار نیستند.

ب) عدم استقلال نحوی و معنایی بندها در شعر نو

در شعر نو نیز بندها از استقلال نحوی و معنایی برخوردار نیستند در نمونه‌های بررسی وزن شعر این مطلب واضح است در ذیل چند نمونه دیگر آورده شده است.

مثال: کسی که مثل هیچکس نیست: فروغ

...

من خواب آن ستاره قرمز را

وقتی که خواب نبوده ام دیده ام

کسی می‌آید

کسی می‌آید

کسی دیگر

کسی بهتر

مثال: در این بن بست: شاملو

...

و عشق را

کنار تیرک راهبند

تاز یانه می‌زنند.

مثال: نشانی: سهراب

...

" نرسیده به درخت،

کوچه باغی است که از خواب خدا سبزتر است

و در آن عشق به اندازه پرهای صداقت آبی است.

۶- نتیجه گیری

پس از بررسی مطابقه‌های اشعار ایران پیش از اسلام و شعر نو فارسی از سه منظر وزن شعر، اندازه بندها و عدم استقلال آنها، نتایج زیر بدست آمد:

۱) اشعار ایران پیش از اسلام الزاماً وزن مشخصی ندارند و اشعاری غنایی هستند. اشعار فروغ، سپهری و شاملو نیز اشعاری غنایی هستند. در مورد نیما و اخوان این مطلب صادق نیست.

۲) در معیار دوم یعنی اندازه بندها نیز میان دو دوره شباهت وجود دارد و برخلاف اشعار عروضی، اندازه متریک بندها در شعر نو و اشعار پیش از اسلام متغیر است.

۳) در معیار سوم نیز میان اشعار دو دوره شباهت وجود دارد و بندها از استقلال نحوی و معنایی برخوردار نیستند.

با توجه به یافته‌های بررسی مطابقه‌ای بالا، طبیعی است اگر ادعا کنیم که شعر نو پدیده‌ای وارداتی نیست و بازگشتی به گذشته است. البته اثبات این ادعا به پژوهش‌های گسترده تری نیازمند است.

منابع

- ابوالقاسمی، م. (۱۳۷۴) شعر در ایران پیش از اسلام. تهران، بنیاد اندیشه اسلامی.
- آرین پور، ی. (۱۳۸۲) / از نیما تا روزگار ما. جلد سوم، تهران، زوار.
- بویس، م. (۱۳۸۴) بررسی ادبیات مانوی در متن‌های پارتی و پارسی میانه ترجمه امید بهبهانی، ابوالحسن تهمی، تهران، بندهش.
- بهار، م. (۱۳۲۱) سبک شناسی. جلد اول، تهران، خودکار.
- تفضلی، ا. (۱۳۸۳) تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام به کوشش ژاله آموزگار. تهران، مهارت.
- حقوقی، م. (۱۳۷۷) شعر نو از آغاز تا امروز. دو جلد. تهران، ثالث.
- خانلری، پ. ن. (۱۳۷۷) وزن شعر فارسی. تهران، دانشگاه تهران.
- شفیعی کدکنی، م. (۱۳۸۰) ادوار شعر فارسی. تهران، سخن.
- (۱۳۸۴) موسیقی شعر. تهران، آگاه.
- شمیسا، س. (۱۳۸۳) سبک شناسی شعر. تهران، میترا.
- (۱۳۶۸) عروض و قافیه. تهران، دانشگاه پیام نور.

-
-
- عریان، س. (۱۳۷۱). *متون پهلوی*. تهران.
- کاخی، م. (۱۳۸۵). *روشن تر از خاموشی، برگزیده شعر امروز ایران*. تهران، آگاه.
- Boyce, M. (1975). *Acta Iranica*, 9. Tehran, Liege.
- Gershevitch, I. (1968). *Old Iranian in Literature*. II. Leiden-Koln, Literature.
- Henning, W.B. (1977) *Acta Iranica*, 15. Tehran, Liege.
- Nyberg, H.S. (1975) *Acta Iranica*, 7. Tehran, Liege.

سدره ارف